



گزارش

همسرم ۵۰ میلیون تومان وام گرفت و تسهیل گران هم ما را راهنمایی کردند. الان من و همسر و پسر و اینچا کار می کنیم و تابستان ها هم چند نفر دیگر به ما اضافه می شوند. چوب ها را از جای دیگر می خریم و شکر خدا درآمد بدی هم نداریم. برای یک زن کرد انجام این کارها سخت نیست و با همه وجود کنار همسرم کار می کنم. حرف های زن که به اینچا می رسد آوات ازه برقی را روشن می کند و می گوید: اینچا اصطلیل بود و ۱۰ قاطر و اسب داشتم و با آنها کولبری می کردم. آن طرف مرز اجناس را بار می زدم و شبانه به این طرف می آوردم. به نظر من هیچ چیزی سخت تر از کولبری نیست. هم خودت و هم خانواده در عذاب هستند. یا وای که در اختیارم گرفت کارت این کارگاه راه انداختم. قبلاً نجاری بلد نبودم اما یاد گرفتم. از ابتدای سال تا امروز ۳۲ هزار جعبه چوبی تولید کردم و می خواهم بخشی از کارگاه را به پالت سازی تبدیل کنم. اسب و قاطرها را فروختم و برق سه فاز گرفتم. بدترین خاطره از کولبری مربوط به زمانی است که شب در موز بین بانه و سردشت حرکت می کردم. بار من اسل سی دی بود و ناگهان نیروهای مرزبانی تیراندازی را شروع کردند. یک نفر از ما زخمی شد و به هر سختی بود به روستا برگشتیم. درآمد کولبری فقط به اندازه نان شب است. هنوز هم در همین روستا کسانای هستند که کولبری می کنند. به آنها می گویم وام بگیرید و برای خودتان کار کنید و کولبری را کنار بگذارید.»

مرضی نیازی معاون اشتغال اجتماع محور بنیاد برکت چهره آشنای اهالی روستا است. هر کدام با تشریح توسعه کشاورزی و کسب کارشان خواسته هایشان را مطرح می کنند. می خواهند که تسهیلات ادامه دار باشد تا آنها بتوانند کارشان را توسعه بدهد. نیازی با تشریح کارهای انجام گرفته در زمینه طرح های اشتغالی از روستاهای منطقه سردشت می گوید: «بنیاد برکت به مسأله کولبران با توجه به ماهیبت که دارد وارد شد و سعی کرد معیشت جابجایی کولبری را برای مردم مناطق روستا و روستاهای مجاور توسعه بدهم. و می خواهم کارم را توسعه بدهم. در همین گلخانه ۱۰ تن صیفی جات برداشت می کنم. باور کنید خیلی از جوانان سردشت و روستاهای آن اگر تسهیلات در اختیارشان قرار گیرد می توانند برای خودشان کار کنند و وپا کنند و سراغ کولبری نمی روند. من هم کولبر بودم اما الان در زمین خودم کار می کنم.»

**کابوسی که تمام شد**  
آفتاب به بالای آسمان روستا رسیده است و این بار مقصد ما کولسه سفلی است. ۱۷۰ خانوار آنجا زندگی می کنند. سراغ کارگاه نجاری آوات را می گیرم. مرد جوانی که علاوه بر کولبری با اسب و قاطر اجناس کولبران را حمل می کرد. اما چند سالی می شود کارگاه نجاری خانوادگی راه انداخته و با همسر و پسرش جعبه های چوبی تولید می کند. در اصطیل ازه برقی و چکش های بادی جای اسب و قاطر را گرفته اند و روزانه ۴۰۰ جعبه چوبی تولید می شود. رقیه با چکش بادی میخ ها را روی جعبه های می زند و آن را فرو می گذارد. می گوید: «قبل از این کار وقتی همسرم برای کولبری می رفت از شدت نگرانی خواب به چشم نمی آمد. چشم به در می دوختن تا برگردد. با خودم می گفتم اگر از کوه سقوط کند یا با شلیک گلوله کشته شود چه کنم؟ این کابوس خیلی از زنان روستاهای سردشت است. اما وقتی خبر دادند می توانیم تسهیلات کم بهره بگیریم تصمیم گرفتیم کارگاه تولید جعبه چوبی را سرپا کنیم.

بود که باعث رونق اشتغال پایدار از طریق وام کم بهره برای کشت باغات انگور سیاه، سماق و گردو با اصلاح سیستم آبیاری قطره ای شد. با تحقیقات میدانی تسهیل گران بنیاد با مشارکت کارگروه روستا افراد کولبر و کم درآمد شناسایی و بانسهیلاتی که در اختیارشان قرار می گیرد مشغول کار می شوند. امروز شاهد شکوفایی کشاورزی بویژه باغداری در این منطقه هستیم. اگر این تسهیلات روستاهای این منطقه قرار گیرد شغل کولبری که در شأن مردم ما نیست ریشه کن خواهد شد. باور کنید اگر تسهیلات در اختیار مردم قرار گیرد آنها دوست دارند روی زمین خودشان کار کنند. با همین تسهیلات برخی از همین جوانان کارگاه جعبه سازی برپا کردند و برخی هم مشغول کاشت انگور و سماق هستند. این منطقه پیش از ۸۰ هکتار زمین کشاورزی دارد و انگورهای آن که بسیار مرغوب هستند ارزش بالایی برای صادرات دارند ولی مردم نمی توانند صادر کنند. از شهرهای مختلف می آیند و انگورها را می خرند و صادر می کنند. مردم این منطقه مظلوم هستند و اگر تسهیلات در اختیارشان قرار گیرد برای یک لقمه نان مجبور نیستند کولبری کنند. نمونه بازار آنها را بعد از ورود بنیاد برکت می بینیم. کسانی که با گرفتن تسهیلات و حمایت هایی که از آنها انجام شد امروز علاوه بر اینکه زندگی شان رونق گرفته چند نفر دیگر را هم در کارگاه یا زمین کشاورزی و گلخانه مشغول کار کرده اند. مردم سردشت خاک دوست و عاشق میهن هستند.

**سقوط سرنوشت ساز**  
سر بالایی نفس گیر را که پشت سر می گذاری پشت دیوار آخرین خانه روستای کولسه علیا کارگاه جعبه سازی قرار دارد. همان جایی که امید با کنار گذاشتن کولبری با وای که گرفت این کارگاه را راه انداخته و حالا ۱۰ نفر از این کارگاه درآمد دارند. امیر چوب های ورقه شده را مرتب روی هم می چیند و با میخ محکم می کند. اهل بروجرد است و بعد از آشنایی با امید سه سالی است که در این کارگاه مشغول کار است. بردارش پشت دستگاه ازه برقی ایستاده و با دقت کنده های چوبی را ورقه ورقه می کند. هر چند دقیقه یک بار کوبی زمین می نشیند تا درد پای راستش که یادگار دوران کولبری است کمتر شود. هنوز هم کابوس تلخ آن روز را به یاد دارد. روزی که برای کولبری با امید رفته بود و بعد از روبه رو شدن با نیروهای مرزبانی او کوب برت شد. می گوید: «وقتی کولبر باشی یعنی شب نمی توانی راحت بخوابی و باید با جانت بازی کنی. مسیری زندگی من بعد از آن سقوط تغییر کرد. شاید اگر ۸۰۰ نفر در کولسه سفلی و ۴۰ خانوار با جمعیت ۲۵۰ نفر در روستای نیوکردان زندگی می کردند. وقتی قرار شد از روستاهای این منطقه و جوانان حرف بزند بغض می کند و از مهاجرت تلخ اسل سی دی را با طناب به پشت بستم و از کوه سرازیر شدم. زمان برکشت از کوه پایین افتادم. با پای خرد شده ۲۰ کیلومتر آمدم تا خودم را به روستا رساندم. هنوز هم کابوس آن شب را می بینم. بعد از آن تصمیم گرفتم کولبری را کنار بگذارم چون ارزش این همه خسارت را ندارد. جلوی چشم خودم یکی از دوستانم کشته شد. در آن طرف مرز پرسنل با وای که آمدیم کار می کردیم. کار با ازه برقی خیلی خطرناک است اما به نظر من خطر آن خیلی کمتر از کولبری



بعد از ورود بنیاد برکت و حضور تسهیل گران چهره روستا عوض شد. حدود ۵۰ خانوار با تسهیلاتی که در اختیارشان قرار گرفت سیستم آبیاری قطره ای را گرفتند و محصولاتشان چند برابر شده است. حالا تعداد زیادی از جوانان در مزارع کار می کنند و سراغ کولبری نمی روند



اهالی روستای کولسه علیا و کولسه سفلی در شهرستان سردشت. عکس: ایران

گزارش میدانی «ایران» از طرح های اشتغالی در روستاهای مرزی سردشت

«دیوالان» در نقطه صفر کولبری

گزارش

یوسف حدیری گزارش نویس

کولبری برای نان شب جمله ای است که اینجا دهان به دهان می چرخد. کولبری یعنی بازی با جان و بهای آن هو مل پوی چیزی است که فقط سهم نان شب می شود. می توانی تصور کنی روستایی که جوانان آن به شهرهای اطراف و یا خارج از کشور مهاجرت می کنند چه اوضاعی دارد؟ جوانانی که فقط دغدغه شان شغل است و بریای اینکه روی پای خودشان باشند به کولبری تن می دهند. هر کدام روایت های ترسناک و تلخ از روزهای کولبری دارند. خاطراتی از افتادن از کوه و پناه گرفتن پشت درختان برای در امان ماندن از شلیک گلوله. اما حالا چند سالی می شود مسیری زندگی جوانان روستاهای سردشت تغییر کرده است. برخی از آنها با تسهیلاتی که در اختیارشان قرار گرفت در روستا ماندند. با اصلاح سیستم آبیاری در مزارع و باغات خودشان کار می کنند و برخی دیگر با راه اندازی کارگاه نجاری، نانوائی، مکانیکی و گلخانه چند نفر از جوانان شهر و روستا را هم مشغول کار کرده اند. می گویند با تسهیلاتی که بنیاد برکت در اختیار ما قرار داد برکت به زندگی مان برگشت. می خواهیم به جای فکر کردن به مهاجرت و کولبری باغ و مزرعه و کارگاه را توسعه بدهیم.

**نقطه صفر مرزی**  
از جاده مهاباد به سردشت قبل از ورودی شهر تازه تأسیس میرآباد جاده خاکی را که بگری به آخرین روستای مرزی می رسی. همان جایی که برجک های مرزبانی ایران و کوه های اربیل عراق را می توانی ببینی. نیمه راه تعدادی از اهالی با ماشین و پای پیاده به استقبال می آیند. می گویند کولبری ما را با آمدنشان روشن کردید. ۶ کیلومتر از مسیر کوهستانی آسفالت شده و بعد از یک ساعت پشت سر گذاشتن بیش از ۵۰ کیلومتر آسفالت شده است. به گفته اهالی یک قرن قدمت دارد و این روزها طرح های اشتغالی آن چهره اش را عوض کرده است. بخشی از اهالی روستا کولبری را کنار گذاشته و مشغول کشاورزی و باغداری شدند. ۸۰ خانوار در این روستا ساکن هستند. ماموستا همراه با چند نفر از جوانان و ریش سفیدان مقابل مسجد روستا پذیرای ما می شوند. تا چشم کار می کند درختچه های انگور سیاه و درختان سیب و سماق می بینی که هفته ای یک بار چن تقیر آن شدند. ریحان سلیمانی دهیار روستا با چند نفر از اهالی ما را به مسجد دعوت می کنند تا با محصولات روستا از ما پذیرایی کنند. می گوید: «به سرزمینی آمده ایم که مردمان غیور و زحمت کش، مرزداران جان پر کف و همیشه در صحنه در آن زندگی می کنند. ما اینجا مرزداران خاک کشور هستیم و اجازه نمی دهیم کسی به خاک ما تعرض کند. روستای دیوالان دارای ظرفیت های بالایی در حوزه های کشاورزی و باغداری است. علاوه بر این ظرفیت دامپروری روستا هم با توجه به موقعیت کوهستانی آن بسیار بالا است. با وجود این همه ظرفیت جوانان این روستا به دلیل بیگاری مجبور می شوند کولبری کنند. هر سال شاهد حوادث تلخی هستیم که برای کولبران می افتد. اگر آنها درآمد داشته باشند نیاز ندارند کولبری کرده و یا به جاهای دیگر مهاجرت کنند. الان بسیاری از جوانان روستا به شهر و جاهای دیگر مهاجرت می کنند. برخی از آنها برای جمع آوری

سیب زمینی و یا کار روی مزارع دیگران به همدان می روند. اگر دولت کمک کند تا مزارع را آباد و باغ های انگور با گسترش دهیم مشکلاتمان کم می شود. اینجا جوانانی داریم که فوق لیسانس هستند اما به دلیل نبود شغل مجبورند کولبری کنند. زمین دارند اما زمین خشک فایده ای ندارد. بعد از ورود بنیاد برکت و حضور تسهیل گران چهره روستا عوض شد. حدود ۵۰ خانوار با تسهیلاتی که در اختیارشان قرار گرفت سیستم آبیاری قطره ای را در مزارع به کار گرفتند و محصولاتشان چند برابر شده است. حالا تعداد زیادی از جوانان در مزارع کار می کنند و سراغ کولبری نمی روند. البته هنوز هم کسانی هستند که کولبری می کنند. امیدوارم با ادامه تسهیلات شرایطی فراهم شود که کولبری در روستای دیوالان به صفر برسد.»



می شود. الان نیمی از جوانان روستا با وام هایی که گرفتند مشغول کار شده اند. با دیگر کولبری نمی کنند. «با بدرقه اهالی راهی سردشت می شوم. لحظه خداحافظی می گویند صدای ما باشید و از مسئولان بخواهید که با ارائه تسهیلات زمینه ریشه کن شدن کولبری را فراهم کنند.» سردشت سحر خیز است. این را می توان از کوچه و خیابان های آن فهمید. شهر زیبایی که در گودال بزرگی که اطراف آن را کوهستان فرا گرفته قرار دارد. با عبور از خیابان های شهر راهی روستای کولسه علیا می شوم. جایی که طرح های اشتغالی رونق دوباره ای به آنجا داده و تعدادی از جوانان روستای کولبری را کنار گذاشته اند و مشغول کار شده اند. همه اهالی روستای کولسه علیا استقبال ما می آیند. از ریش سفید و ماموستای روستا تا جوانان و کودکان. در مسجد پدید پندیری ما می شوند. هر کدام از نبود شغل مناسب برای جوانان و مهاجرت آنها و رفغ بخشی از مشکلات بعد از ورود بنیاد برکت می گویند و تأکید می کنند اگر کمک ها و تسهیلات بیشتری در اختیار اهالی روستا قرار گیرد دیگر کسی سراغ کولبری نمی رود. کاک قاسم ریش سفید روستا از ما می خواهد صدای مردم منطقه سردشت باشیم و مشکلات را به گوش مسئولان برسانیم. او به اقداماتی که در زمینه اشتغالی در این منطقه انجام گرفته اشاره می کند و می گوید اگر این کارها ادامه پیدا کند کسی اینجا برای نان شب سراغ کولبری نمی رود و جوانان روستا به فکر مهاجرت نمی افتند. از مسئولان می خواهیم از جوانان ما غافل نشوند. امروز موج ویرانگر مهاجرت در سردشت و روستاهای آن زیاد شده است. صدای ما را به مسئولان برسانید تا زمینه کار برای جوانان ما فراهم شود. کولبری در شأن و منزلت مردم ما نیست. ریحان سلیمانی زاده دهیار جوان روستای کولسه علیا و کولسه سفلی و نیوکردان است. یکی از جوان ترین دیوالان منطقه سردشت که به گفته اهالی با همه وجود برای آبادانی

**۱۳۰ خانوار با جمعیت ۵۰۰ نفر در روستای کولسه علیا**

**۱۷۰ خانوار با جمعیت ۸۰۰ نفر در کولسه سفلی و ۴۰ خانوار با جمعیت ۲۵۰ نفر در روستای نیوکردان زندگی می کنند**

با عبور از خیابان های شهر راهی روستای کولسه علیا می شوم. جایی که طرح های اشتغالی رونق دوباره ای به آنجا داده و تعدادی از جوانان روستا کولبری را کنار گذاشته اند و مشغول کار شده اند. همه اهالی روستای کولسه علیا به استقبال ما می آیند. از ریش سفید و ماموستای روستا تا جوانان و کودکان. در مسجد پدید پندیری ما می شوند. هر کدام از نبود شغل مناسب برای جوانان و مهاجرت آنها و رفغ بخشی از مشکلات بعد از ورود بنیاد برکت می گویند و تأکید می کنند اگر کمک ها و تسهیلات بیشتری در اختیار اهالی روستا قرار گیرد دیگری کسی سراغ کولبری نمی رود.